

پرسشگری

اولین گام پژوهش

روح‌الله رضاعلی
دانشجوی دکتری مدیریت آموزشی



کودک کاشته شده است و لحظه‌به‌لحظه، همراه با جسم او، رشد می‌کند. هر چه کودک بزرگ‌تر می‌شود، شوق و ذوق او به دانستن و فهمیدن بیشتر می‌شود تا به نادانسته‌های خود برسد. اسباب و راه و روش فرونشاندن این شوق و ذوق، پرسش‌های مداوم و پی‌درپی است؛ راه و روشی که کودک را وادار به «پاسخ‌دادن به پرسش‌های او» می‌کند. پرسش‌ها از درون کودکان و نوجوانان می‌جوشند. پاسخ‌ها هم باید از «تلاش و کوشش» برآیند، نه از طریق جواب‌دادن‌های آنی و فوری مری، یا اشاره و تکلیف به مراجعه به کتاب‌ها و منابع. آموزش پژوهش‌های کودکان و نوجوانان جز همین جوشیدن و کوشیدن هیچ چیز دیگری نیست؛ جوشیدن از درون و کوشیدن در برون (رئوف، ۱۳۸۷).

بنابراین، زمینه‌سازی برای تفکر پژوهشی و گسترش رویکرد پژوهش‌مدار در میان دانش‌آموزان، دستاوردها و نتایج بهینه‌ای دربر خواهد داشت.

خمیرمایه پژوهش همان فکر کردن است. تا سؤال نباشد، فکری به وجود نمی‌آید، زیرا پژوهش واقعی و سنجیده از سؤال شروع می‌شود که خلاقیت هم در سؤال وجود دارد. **فرانسیس بیکن** می‌گوید: «آن کس که بسیار بپرستد، بسیار خواهد آموخت و بسیار خشنود خواهد شد» (غنی، ۱۳۸۹).

مهم‌ترین نتیجه این است که در گام اول، با زمینه‌سازی مناسب و فراهم آوردن لوازم اندیشه، در واقع آزادی، استقلال و فرصت‌ها را به کودکان و نوجوانان می‌دهیم، چرا که متکی کردن آنان به خود و محدود کردن فرصت‌ها، نمی‌تواند آن‌ها را به انسان‌هایی اندیشه‌باز و فکورز تبدیل کند. کودکان و نوجوانان با تفکر پژوهشی در محیط اجتماعی می‌توانند به‌طور عمیق مشاهده کنند و از کنار هر چیز به‌سادگی نگذرند. پرسش کنند و برای پاسخ سؤالاتشان جست‌وجو کنند و متحیر شوند و از واقعه و رخداد و گمانه‌زنی‌های خود در پدیده‌های اطراف نتیجه بگیرند. تقویت حس کنجکاوی، تقویت روحیه پرسشگری، تصمیم‌گیری‌های مناسب و واقع‌بینانه در مسائل، از دیگر مواردی هستند که می‌توان از آن‌ها به‌عنوان دستاوردهای آموزشی و تربیتی فعالیت‌های تحقیقی برای دانش‌آموزان یاد کرد.

■ خانم بازوکی، معلم ابتدایی شهرستان پاکدشت، می‌گفت: «هر وقت بچه‌های کلاس را می‌بینم، دائم سؤال دارند: من از کجا آمده‌ام؟ خدا کجاست؟ چرا کتری آب جوش آمد؟ رنگین کمان چیست؟ و صدها سؤال دیگر.»

این معلم علاقه‌مند، نکته مهمی را مطرح کرد؛ اینکه این سؤال کردن‌ها چه کمکی به دانش‌آموزان می‌کند و چرا هر چه به پایه‌های بالاتر می‌رویم، تعداد سؤالات بچه‌ها کم می‌شود و احساس می‌کنیم دیگر کنجکاو نیستند؟

کنجکاوی و پرسشگری در فطرت همه انسان‌ها به ودیعه گذاشته شده است، اما هر چه از دوران کودکی و نوجوانی دورتر می‌شویم، پی می‌بریم که چگونه سؤال پرسیدن هم یک مهارت است و اساساً می‌تواند شروع تحولی اساسی باشد. چگونگی مواجهه با سؤالات پرشمار بچه‌ها، آن‌ها را برای سال‌های آتی آماده می‌کند که چگونه عمل کنند و اساساً این توانایی در آن‌ها تقویت شود یا کم‌فروغ‌تر؟

مهارت «پرسشگری» توانایی مواجهه با پدیده‌های گوناگون در زندگی عادی و روزمره است. یکی از پیامدهای مثبت پرسشگری، یادگیری مهارت فکر کردن است. می‌توان نتیجه گرفت، مهارت پرسشگری از رسالت‌های اصلی مدرسه است.

هنوز نظریه نویافته روان‌شناسان تربیتی مبنی بر اینکه «شکل‌پذیری شخصیت در دوران کودکی اتفاق می‌افتد»، به قوت خود باقی است. این نظریه می‌گوید، بذر پرسش در نهاد

کلید ورود به هر فعالیت پژوهشی، پرسش است. مهارت پرسشگری یکی از مهارت‌های پایه و بنیادین فعالیت‌های پژوهشی و خودآموزی محسوب می‌شود. **امام صادق (علیه‌السلام)** می‌فرماید: «علم قفلی است که کلید آن پرسش است.»

پرسش کردن همواره فرایندی ذهنی و اساسی برای معنادار کردن به پدیده‌های جهان اطراف بوده است که به گروه خاصی از آدمیان مربوط نمی‌شود. نه تنها کودکان در زندگی روزمره خود پرسش‌های متفاوتی مطرح می‌کنند، بلکه بزرگ‌ترها نیز چنین هستند

خانم پازوکی، آموزگار پایه دوم، با شنیدن این مطالب پرسید: چگونه می‌توانم پرسشگری را در دانش‌آموزانم تقویت کنم تا شروعی برای پژوهش کردن آن‌ها باشد؟

پرسش کردن در شناخت راه یادگیری و تبدیل شدن به یادگیرنده‌ای مادام‌العمر نقش محوری دارد. بنابراین، لازم است دانش‌آموز مهارت پرسیدن سؤال‌های منتقدانه درباره آنچه را می‌بیند، می‌خواند و می‌شنود، داشته باشد. با طرح پرسش‌های کارآمد می‌توان تصمیم‌های آگاهانه و عاقلانه گرفت.

پرسش‌ها همواره باید هدف‌دار باشند. غالباً از پرسش می‌توان برای ارزشیابی میزان آموخته‌ها استفاده کرد، اما هدف‌های اختصاصی و گوناگون دیگری هم وجود دارند که به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

- برانگیختن علاقه یا کنجکاوی؛
- هدایت تفکر در مسیر معین؛
- به چالش کشاندن؛
- مرور آموخته‌ها؛
- سازمان‌دهی یا هدایت انجام فعالیت؛
- تشویق به تأمل بر یادگیری؛
- الگوسازی برای پرسش کردن و تفکر؛
- تشویق به طرح سؤال‌های بیشتر؛
- برانگیختن حس جست‌وجوی (گادینو، ۱۳۹۰).

پرسش‌ها جهان اطراف را برای انسان معنی‌دار می‌کنند. با طرح پرسش‌هایی از قبیل: ... چگونه کار می‌کند، اگر کارها را در جهت عکس انجام بدهم، چه اتفاقی می‌افتد، نویسنده چه پیامی را می‌خواهد به خواننده برساند، طبعاً عمق درک مفهوم مورد بحث زیادت خواهد شد.

از ویژگی‌های عمده و شناخته‌شده کودکان و نوجوانان که در ذهن آن‌ها نهاده شده، برقراری ارتباط تنگاتنگ با دنیای خارج است. کودکان و نوجوانان نمی‌توانند بدون ارتباط ذهنی با دنیای پرمروار اطراف خود آرام بگیرند و تصویرهای ذهنی خود را آشکار کنند. آن‌ها مدام دنیای پیرامون خود را زیر ذره‌بین ذهنی و فکری می‌گذارند و بازاندیشی می‌کنند، به نگرش‌های تازه خود دامن می‌زنند و به دنبال فهم و تفسیر آن، «پرسش» می‌کنند. پرسش‌ها وجود آنان را پر می‌کنند.

در پژوهش‌های مدرسه‌ای دانش‌آموزان، باید بر همین ویژگی برجسته آن‌ها تأکید کرد. از همین رو، اولین و بایسته‌ترین روش‌های پژوهشی کودکان و نوجوانان، توجه به اندیشه‌ورزی‌های

آن‌هاست، چرا که ماهیت پژوهش، برانگیختن توان «پرسش» و «پیدا کردن راه و روش جویاشدن پاسخ پرسش‌ها» است. کودکان و دانشمندان سؤالات بسیاری می‌پرسند و می‌خواهند درباره جهان هستی بیشتر بدانند.

عصاره سؤال‌های علمی حول محور سه نوع پرسش دور می‌زند: «چه»، «چرا» و «چگونه» که هر کدام به دنبال نوعی جواب هستند. «چه» ساده‌ترین نوع را شرح می‌دهد؛ مثل «چه کتابی خریده‌ای». سؤال‌های نوع «چگونه» احتیاج به تحقیق و بررسی بیشتری دارند، چون نوعی فرایند دارند؛ مثل: «چگونه می‌توان پرنده‌ها را اهلی کرد». سؤال‌های نوع «چرا» بیشتر جنبه فلسفی دارند و در مورد چرایی مسائل و پدیده‌ها مطرح می‌شوند. این نوع سؤال‌ها به دنبال علت‌ها می‌گردند؛ برای مثال: «چرا گیاهان سبز هستند» و ... از آنجا که جوهره پژوهش، سؤال‌های خوب و مناسب است، باید برای شروع و ادامه فعالیت‌های پژوهشی کودکان و نوجوانان، متناسب با موضوع پژوهش و سطح توانایی مخاطب، سؤال‌های متعددی طرح کرد (غنی، ۱۳۸۹).

فعالیت‌های گروهی دانش‌آموزان، که در بسیاری موارد می‌توانند رنگ و بوی «پژوهش» به خود بگیرند، به مثابه کاشتن دانه در زمین فکر و اندیشه یادگیرندگان هستند؛ فعالیت‌هایی که چگونه فکر کردن، چگونه پرسش کردن، چرا پرسش کردن و پیدا کردن راه و روش پاسخ‌ها برای پرسش‌ها را به کودکان و نوجوانان می‌آموزند و نه تنها آن‌ها را از شیوه‌های سنتی حافظه‌ای دور می‌کنند، بلکه عادت به تفکر، پرسش و یافتن پاسخ را در ضمیرشان نهادینه می‌کنند (رنوف، ۱۳۸۷).

یک راه بسیار مؤثر برای وادار کردن عضو به تفکر عمیق‌تر، استفاده از رویکرد فلسفی پرسش کردن است (گادینو، ۱۳۸۸). پرسش کردن به‌منزله هسته تحقیق علمی و غالباً بخش اصلی توضیح‌دادن هاست. طرح سؤال‌های هوشمندانه و تفکربرانگیز، در پیشرفت یادگیری نقش بسزایی دارد. به عبارتی که قبلاً نیز اشاره شد، یادگیری پژوهش محور بر پرسشگری استوار است و به رشد مهارت‌های تفکر می‌انجامد (غنی، ۱۳۸۹).

برخورداری از مهارت‌های پرسش کردن، کودکان دانش‌آموز را یادگیرندگان موفق‌تری می‌کند، زیرا بهتر می‌توانند مسائل خود را حل کنند و با ایجاد موقعیت‌های تازه، باعث بروز تغییر شوند. با طرح پرسش‌های ماهرانه‌تر، فرایندهای تصمیم‌گیری، نگاه منتقدانه و به چالش کشاندن دانسته‌ها بهتر هدایت می‌شوند. مهم‌تر آنکه کودکان با پرسش کردن، به مشارکت فعالانه‌تری در دنیای خود کشانده می‌شوند و جامعه‌ای آزادتر برای خود پدید خواهند آورد.

منابع

۱. گادینو، سالی. پرسش کردن. ترجمه حسین دانش‌فر. فاطمی. چاپ سوم. تهران. ۱۳۹۰.
۲. رنوف، علی. پژوهش‌های دانش‌آموزی. رشد مدیریت مدرسه. ۱۳۸۷.
۳. غنی، رضا. جزوه اصول و قواعد فعالیت‌های پژوهشی کودکان و نوجوانان. کانون پرورش فکری (مدیریت پژوهش). ۱۳۸۹.
۴. پژوهشنامه آموزشی. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش. ۱۳۸۷.